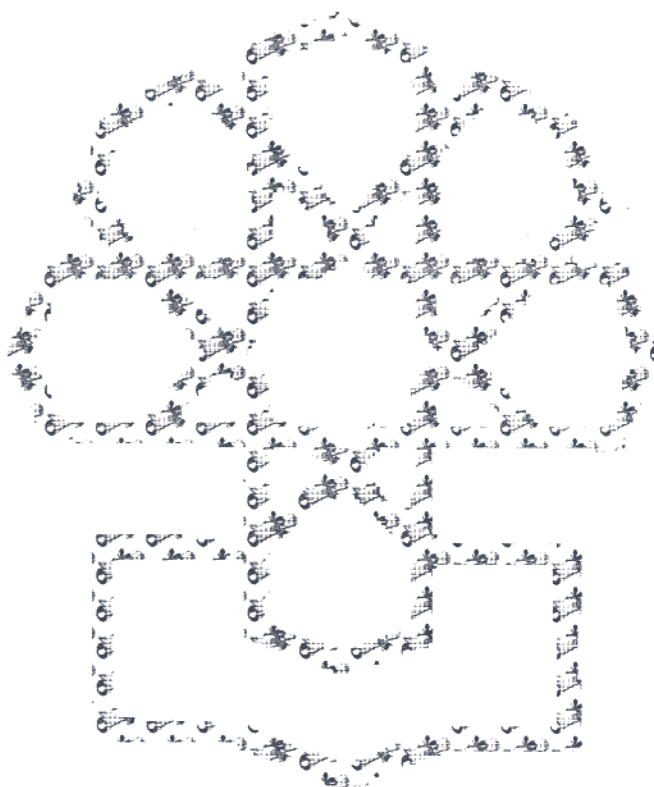


سخنی درباره قیام سیدالشهدا



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

معاونت پژوهشی

اردیبهشت ۱۳۷۶

کد گزارش: ۴۱۰۲۳۷۳

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی
شماره: ۵۵۳۸
تاریخ: ۱۱، ۴، ۷۶

سخنی درباره قیام سیدالشهدا

کد گزارش: ۴۱۰۲۳۷۳

بِسْمِ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَيُّهَا الْأَمِيرُ إِنَّا أَهْلُ نَيْبِ النَّبْوَةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الرَّحْمَةِ بِإِنْفَاتِحِ اللَّهِ وَ بِسَائِخَتِنَا، وَ يَزِيدُ زَجَلُ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ قَاتِلِ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُغْلِبٌ فَسُقِ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ وَ لَكِنْ نُضِيحُ وَ نُضِيحُونَ وَ نَنْظُرُ وَ تَنْظُرُونَ إِنَّا أَخْقُ بِالْخِلَافَةِ وَ النَّبِيَّةِ.

دو مطلب در مسئله عاشورا مطرح است یکی مورد نظر همگان و آن هدف امام حسین (ع) از قیام کربلا بود. بخشی از اهداف امام، مبارزه با ظلم و ستم و رژیم فاسدی بود که علناً مرتکب ظلم و فسق می شد. وقتی مروان بن حکم به ظاهر برای امام حسین (ع) خیرخواهی می کند، امام در جواب می فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بَلَيْتِ الْأَمَةَ بِرَاعٍ مِثْلِي يَزِيدُ». در واقع یک مسئله عاشورا حق حکومت خاندان وحی است که یزید تجاوز به این حق کرده است. لذا پس از مرگ معاویه؛ زمانی که یزید، ولیدین عقبه - استاندار مدینه - را مأموری کند که از حسین (ع) بیعت بگیرد، حضرت ضمن بیان فضائل اهل بیت، ویژگی های یزید را بیان می کند و فساد علنی او را به رخ می کشد و بیان می فرماید که با حاکمیت یزید فاتحه اسلام خوانده می شود.

از آنجا که هدف نهایی امام این است که جامعه را به لقاء خداوند راغب نماید می باید تمام موانع را از سر راه بردارد که یکی از موانع خود یزید و اعوانش هستند و به این عمل نهی از منکر گفته می شود. امام برای آماده سازی مسیر حرکت به سوی خدا می باید حکومت الهی تشکیل دهند و اما مطلب دوم که کمتر به آن توجه شده در حالی که این مطلب به عاشورا جلا داده و موجب شده که قیام امام بی نظیر باشد کیفیت عمل بوده است.

حسین (ع) قیام کرد در حالی که یکی از اهداف او مبارزه با ظلم بود. آنچه در باب عاشورا در تاریخ بشریت چشمگیر است مسئله هدف گیری امام حسین (ع) به تنهایی نیست. امام جان خود و خاندانش و آنچه را داشت نثار کرد و این با «ایمان» امام معنا می یابد. آنچه ضربه امیرالمؤمنین (ع) را در روز خندق از عبادت جن و انس برتر می سازد فقط خود ضربه نیست بلکه نواخته شدن آن توسط مظهر ایمان، یعنی علی بن ابیطالب (ع) است. این صحنه به مثابه مواجهه همه ایمان با همه کفر است.

فصل ۱- آبیاری نهال اسلام

همه پیامبران پیشین به رسالت احمد به عنوان آخرین پیام آور الهی بشارت دادند. آن حضرت در محیط بسته و جاهلی جزیره العرب مبعوث شد و با برنامه های دقیق و مجاهدتی عظیم مردم را به اسلام دعوت کرد.

دل‌های زنگار بسته و کفر گرفته نرم شد و بسیاری ایمان آوردند ولی عده‌ای نیز پس از به کارگیری تمام امکانات خود؛ پس از شکست، ناگزیر و به ظاهر اسلام آوردند. در حالی که هیچ بدان راضی نبودند. اینان حاکمیت اسلام را مساوی با بر باد رفتن تمام آمال و آرزوها و هوس‌های خود می‌دانستند. لذا از همان ابتدا تمام توطئه‌های خود را برای جلوگیری از استقرار این جدید و در نهایت نابودی آن به کار گرفتند. بی‌جهت نیست که پیامبر اکرم (ص) در معرفی جانشین خود که در حقیقت و وظیفه هدایت امت پس از رسول خدا را به عهده دارد، تعلل می‌ورزد تا جایی که به او وحی می‌شود یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس...

معلوم می‌شود که آن حضرت از بیم صدمه خوردن علی (ع) مبادرت به معرفی علنی ایشان نمی‌کرد. پس از ابلاغ رسول و معرفی امیرالمؤمنین به عنوان وصی و خلیفه بعد از پیامبر (ص) - آن هم در واقعه عظیم غدیر خم - هدفگیری‌ها به سوی آن بزرگوار شدت می‌گیرد. هنوز پیکر پاک رسول الله (ص) بر زمین است که بر خانه او می‌تازند و ضمن مضروب ساختن فاطمه (س) - دخت گرامی پیامبر - علی (ع) را کشتن کشتان به مسجد می‌برند تا با قتل او ماجرا را به نفع خود ختم کنند. فاطمه (س) با چهره کبود و پهلوی شکسته به دفاع از علی (ع) برمی‌خیزد و جان او را حفظ می‌کند. چه اتفاقی افتاد که در کمتر از یک سال پس از غدیر و با وجود گواهی همه مسلمانان به این واقعه و جانشینی علی (ع)، حکومت او غصب شده و کمر به قتلش می‌بندند؟

با زمینه‌چینی پیامبر (ص)، فاطمه (س) محور مقابله و نوک پیکان حمله به غاصبین می‌گردد. فاطمه بضعة منی فمن اغضبها، اغضبنی... با رحلت فاطمه (س)، بهترین یار علی (ع) از دست می‌رود. حرکت فاطمه (س) آنقدر مؤثر بود که می‌باید قبر او و مدفن مبارکش از تهاجم دشمن مصون بماند. لذا مزار آن حضرت مخفی می‌شود و هنوز هم با گذشت بیش از هزار سال چون نگینی در دل خاک پنهان مانده و شیعیانش را در آرزوی زیارتش منتظر داشته است.

پس از فاطمه (س)، علی (ع) با مشکلات بیشتری مواجه می‌گردد و دوران طولانی سکوت را با انتخاب و تربیت یارانی بزرگ و راهنمایی عموم مسلمانان و حتی خلفا سپری می‌کند. ۲۵ سال امت اسلامی از زعامت ولی... الاعظم محروم می‌ماند.

امت به فغان آمده از جور، آنچنان به علی (ع) روی آورده و خواستار بیعت با او می‌گردند که نزدیک بود حسین زیر دست و پا بمانند. امیرالمؤمنین که هنوز شرایط را برای حکومت خویش مناسب نمی‌دید به ناچار درخواست آنان را می‌پذیرد. علی (ع) می‌دانست که مردمی که با جور خلفا از مسیر حق منحرف شده‌اند به راحتی تاب تحمل عدالت او را ندارند. علی (ع) جامعه طبقاتی منحط جزیره العرب را به وضوح می‌دید ولی با اقبال مردم چاره‌ای جز زمامداری آنان و محقق ساختن امر ولایت نمی‌دید. لذا از همان ابتدا مشکلات از هر سو به علی (ع) هجوم آوردند و ناکشین، قاسطین و مارقین بر او تاختند. این بار به نام اسلام بر علی (ع) حمله می‌شد. کفار دیروز با نقاب اسلام بر علی می‌تاختند. چه اتفاقی افتاد که برادر و وصی پیغمبر و ولی... الاعظم به اسم اسلام مورد حمله قرار می‌گیرد، به طوری که اول مظلوم عالم می‌گردد و زمانی که خبر شهادت علی (ع) در محراب به شام می‌رسد مردم می‌پرسند مگر علی نماز هم می‌خواند؟!!

امام حسن (ع)، سبط اکبر آن چنان مظلوم است که حتی یارانش به او خرده می‌گیرند، ولی امام با باشکوه‌ترین نرزش تاریخ، زمینه را برای حفظ اسلام فراهم می‌سازد. پس از شهادت امام حسن (ع)، امامت فسقی حسین (ع) به مدت ۱۰ سال به همان شیوه امام حسن (ع) ادامه می‌یابد. ولی با مرگ معاویه و حاکمیت

بیزید که علنی داشت امام از بیعت سرباز زده و علیه او قیام می‌کند.

قیام امام حسین (ع) دقیق‌ترین و مؤثرترین حرکت انقلابی در طول تاریخ بود که نه تنها از نابودی اسلام جلوگیری کرد بلکه زمینه شناخت درست از اسلام و قیام علیه خلفای جور در تمام زمان‌ها را فراهم آورد. امام حسین (ع) هم به نام اسلام و به عنوان شورش علیه خلیفه مسلمین به شهادت رسید. این چه اسلامی بود که علی و حسن و حسین علیهم السلام را به شهادت می‌رساند این تحقق همان پیش بینی رسول اکرم (ص) است که می‌فرماید.

«سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمَةٌ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ، يُسْمَوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ عَنَّهُ.»^۱ پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «زمانی بر امت من خواهد آمد که از قرآن جز رسمش که همان خط و نوشته آن است، از اسلام نیز جز نامش نخواهد ماند. مردمان به این نام - مسلمانی - نامیده می‌شوند، ولی آنان از همه کس از اسلام دورترند.»

امت‌های گذشته با تحریف حقایق دینی آن چنان کردند که حتی اسم ادیان آنها باقی نماند و به نام اقوام خوانده شدند، ولی از اسلام نام آن باقی ماند در عین این‌که آنچنان تحریف عظیمی اتفاق افتاد که امت پیامبر (ص) دورترین افراد به اسلام بودند.

این بار شکست خوردگان از اسلام با نشستن بر مسند رسول الله (ص)، آنچنان به تحریف دین خدا می‌پردازند که دیگر کسی دین را نمی‌شناسد و اولیاء الهی و خاندان رسالت و مهبط رحمت به انزوای افتند و به نام خارجی به شهادت رسیده و یا اسیر می‌گردند.

ابوسفیان شکست خورده در چهره معاویه حلول کرده و زمانی که صدای اذان را می‌شنود می‌گوید «لا وَا... الا دفناً دفناً» و این روند با حاکمیت جور، منع حدیث، تحریف سنت رسول الله و کلام الهی ادامه می‌یابد. نهال اسلام آن چنان شکننده می‌گردد که تا خشک شدن فاصله‌ای ندارد. این نهال آبیاری می‌خواهد ولی با خون و هیچ خونی جز خون حسین (ع) نمی‌تواند این نهال را از مرگ برهاند و حسین یعنی ولی الله الاعظم، هیچ چاره‌ای ندارد جز این‌که هستی خود و خاندان پاکش را به مذبح ببرد و بزرگترین و پرشکوه‌ترین و زیباترین جلوه‌ی ایثار را رقم بزند. «يا ايها النفس المطمئنة، ارجعي الي ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي ...»

فصل دوم - تداوم راه امام حسین (ع)

امت اسلام از وجود حسین (ع) محروم می‌شود ولی او با خون خود نوری می‌افشاند که راهنمای همه جویندگان حق می‌گردد. حسین (ع) دین را از نابودی حتمی نجات می‌دهد و معارف عظیم الهی را توسط فرزندان برای آیندگان حفظ می‌کند. وظیفه بزرگ حفظ میراث پیامبر و زدودن تحریف‌ها از چهره دین به عهده فرزندان حسین (ع) - امامان شیعه - قرار می‌گیرد. دشمن تمام تلاشش را برای خاموشی این نور به کار می‌گیرد ولی خون حسین چنان حرمتی دارد که خود خدا حفظ آن را به عهده می‌گیرد.

يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مَتَمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۲

درخشش این نور از زوایای تاریخ منشا خیرات فراوان می‌گردد. حسین (ع) وارث آدم و تمام انبیا است و درخشش او نور همه اولیا و انبیا الهی است. مجاهدات تمام اولیا در زمان ما و به دست امام خمینی به ثمر می‌نشیند. قیامی به نام حسین و در راه اهداف امام حسین (ع) پس همان دشمنان پیشین در چهره‌ای جدید

۱. صدوق، ثواب الاعمال، ۳۰۱.

۲. صف، آیه ۸.

برای مقابله تجمع می‌کند. معاویه و ابوسفیان و یزید و شمر و اشعث و... با چهره‌های جدید و مجهز به ابزار روز تهاجم می‌کند. ماهواره‌ها، بنگاه‌های خبری، ثروت فراوان، سلاح‌های جدید در دست امامان جدید کفر است. چراکه با گسترش دین محمد (ص) تمام دنیای آنان به خطر افتاد. لذا تمام همت خود را برای نابودی این نهضت به کار گرفتند.

اگرچه سرکوب اولیه قیام توسط شاه به نتیجه نرسید و با فرار شاه حکومت به دست انقلابیون افتاد، شروع به توطئه‌های جدید از جمله ایجاد فتنه‌های قومی کردند. با تسخیر لانه جاسوسی و ناامید شدن از سازش بالیبرال‌ها و باور به حاکمیت امام برکشور، دست به حمله مستقیم نظامی زدند.

همه استکبار به کمک آمدند ولی مشیت الهی بر بقای نظام اسلامی بود، لذا ۸ سال دفاع خالصانه پیروان امام، دشمنان را شکست خورده بازگرداند. باز هم ناامید نشدند و این بار به منظور وارونه جلوه دادن اسلام، تخریب مسئولین نظام، سست کردن ایمان جوانان، از هویت خالی کردن ملت و بالاخره تبلیغ شکست خوردن حاکمیت فقهی، تهاجم فرهنگی عظیم و برنامه‌ریزی شده‌ای را آغاز کردند. آن چه این انقلاب را به ثمر رساند و حفظ کرد، حاکمیت الهی و ولایت فقیه بود. همین را نشانه گرفته و آن را حکومت دیکتاتوری خواندند. تمام تبلیغاتشان این است که این حاکمیت با دموکراسی سازگاری ندارد. متأسفانه برخی ناآگاهان داخلی نیز با طرح مسائلی آب به آسیاب آنان می‌ریزند. حتی مسلمات ما را وارونه جلوه می‌دهند. آیا مشروعیت امام علی (ع) و امامت ایشان به خاطر رأی مردم بود؟ و اگر کسی بگوید امامت امیرالمومنین و حاکمیت الهی دوران غیبت از جانب خداوند است به آرای مردم توهین شده است؟

لایذ اگر کسی بگوید که پیامبران راهم مردم انتخاب می‌کردند با دموکراسی نوین سازگارتر است. نباید از معنای بیعت اسلامی غافل ماند. نقش عظیم مردم در اینجاست. همه مردم در طول تاریخ دیده‌اند که امام علی (ع) که حاکمیت او از جانب خداوند و به وسیله پیغمبر اکرم (ص) اعلام شده بود خانه‌نشین می‌شود و با اقبال مردم، آنان را از حاکمیت الهی بهره‌مند می‌سازد. اصولاً تمام سعی انبیا و اولیا کشاندن مردم به صحنه بوده است چراکه برپا داشتن نظام الهی می‌باید به دست مردم انجام گیرد. چون تنها در این صورت تداوم حکومت تضمین شده و زمینه رسیدن به هدف نهایی یعنی قرب الی الله که مقصود آخر پیغمبران بوده فراهم می‌شود.

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». تمام برنامه ارسال رسل و بینات و کتاب و میزان برای قیام مردم به قسط بوده است. لذا نقش مردم در ایجاد و استمرار حاکمیت الهی تعیین کننده است ولی نباید با الگوپذیری از دموکراسی غرب، واقعیات و نقاط قوت حاکمیت اسلامی به زیر سؤال برده شود.

دنیای غرب از یک سو تلاش می‌کند که با ایجاد فساد، غفلت و طرح مسائل انحرافی، مردم ما را مشغول سازد و از سوی دیگر باورهای آنان را مورد حمله قرار دهد. اما خداوند ایامی را برای پالایش امت اسلامی قرار داده که بهره‌گیری از آنها بیشترین نقش در بیداری مسلمانان را دارد. یکی از این ایام، ماه محرم است که به‌ویژه جهان تشیع از آن بهره می‌گیرد. اگر از این ایام به درستی استفاده شود و اهداف قیام حسین (ع) و معارف اسلامی برای مردم تشریح گردد، بهترین پالایش انجام شده و روح تزکیه شده مردم برای مدت‌ها در مقابل توطئه‌ها مقاوم می‌گردد. محرم در برپایی این انقلاب نقش اساسی داشته است. رزمندگان اسلام با یاد عاشورا و نام حسین خون خود را نثار کردند تا این نظام برپا بماند و استمرار انقلاب نیز جز با توجه به محرم، قیام حسینی و پاس داشتن از حرمت خون او امکان‌پذیر نخواهد بود.